

مسکن عشایر کوچ‌رو در کهگیلویه و بویراحمد

شناسایی اجمالی منطقه:

ناحیه کهگیلویه و بویراحمد در قسمت جنوب غرب ایران تقریباً بین ۲۹ و ۵۱ درجه طول شرقی نسبت به نصف‌النهار گرینویچ و ۳۰ تا ۳۱ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی واقع شده است.

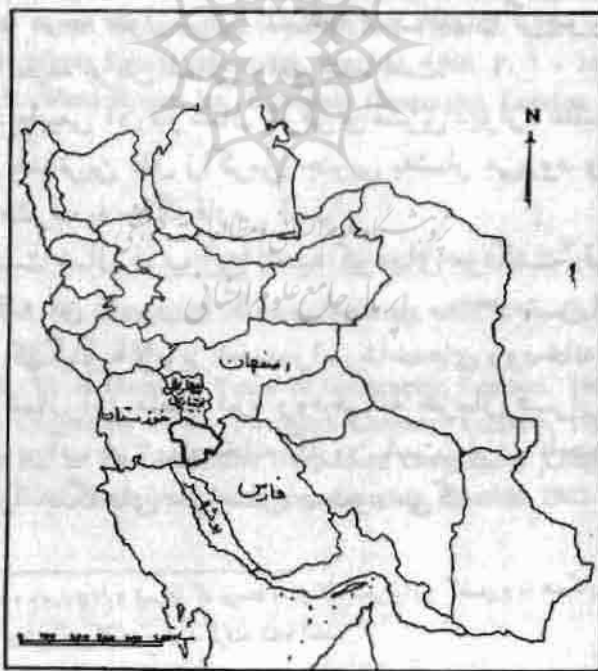
حدود طبیعی آن در شمال شرقی و مشرق دیواره عظیم و مرتفع دنا است که از بلندترین قله زاگرس جنوبی به‌شمار می‌رود و با قله ۴۴۰۰ متری خود مشرف به جلگه فارس است^۱.

در قسمت شمال غرب این ناحیه کوههای مونگشت^۲ قرار دارد که مرتفعترین قله آن غارون یا کارون است با ۳۳۰۰ متر ارتفاع. قسمت جنوبی مرز کهگیلویه و بویراحمد را سرشاخه‌های رودخانه زهره مشخص می‌کند. در شمال این منطقه دره رودخانه خرسان قرار دارد که از سرشاخه‌های پرآب شرق رودخانه کارون است. غرب ناحیه کهگیلویه و بویراحمد را جلگه‌های خوزستان محدود می‌کند.

۱ - ارتفاع از نقشه ۱/۲۵۰,۰۰۰ ایران که توسط سازمان جغرافیایی کشور و با همکاری فرماندهی نقشه برداری ارتش آمریکا تهیه شده گرفته شده است.

حدود سیاسی این ناحیه را در شمال استان چهارمحال و بختیاری و اصفهان تعیین می‌کند و در جنوب استان بوشهر و در مشرق آن استان فارس قرار دارد. مغرب و جنوب غرب آن قلمرو استان خوزستان است. از نظر انسانی این ناحیه محدود است به ایلات بختیاری در شمال، قشقایی در شرق و ایلات ممسنی در جنوب. مساحت این منطقه نزدیک به پانزده هزار کیلومتر مربع است و شامل شش ناحیه ایلی است که هر یک منسوب به یک ایل است که در آن استقرار دارند. نواحی ایلی با وسعت تقریبی آنها بشرح زیر است:

موقع کهگیلویه و بویراحمد در ایران



چرام ۶۰۰ کیلومتر مربع، دشمن زیاری ۱۰۰۰ کیلومتر مربع، طیبی ۱۷۰۰ کیلومتر مربع، بهمئی ۲۷۰۰ کیلومتر مربع، باشت و بابوئی ۲۹۰۰ کیلومتر مربع و بویراحمد که وسیعترین ناحیه ایلی است ۶۵۰۰ کیلومتر مربع از این منطقه را بربر دارد.^۳

در کل ناحیه ارتفاع از شمال شرق به طرف جنوب غرب تقلیل می‌یابد (بین ۴۴۰۰ تا ۳۰۰ متر) این منطقه سرچشمه بخش مهمی از سرشاخه‌های رودخانه کارون است. و در ارتفاعات آن جنگلهای متراکم و مراتع غنی گسترده شده است. قسمت اعظم جنگلهای آنرا درختان بلوط و بخش مهم مراتع آنرا بوته‌های جاشیر^۴ می‌پوشاند. اقلیم بخش شمالی آن معتدل کوهستانی و آب و هوای قسمت جنوبی آن گرم و خشک است. میزان ریزشهای جوی سالیانه آن از جنوب غرب به طرف شمال شرق بین ۳۰۰ تا ۷۵۰ میلیمتر در نوسان بوده و حداکثر ریزشها در فصل زمستان است.^۵ جمعیت این ناحیه بنابه سرشماری سال ۱۳۵۵ در حدود ۲۵۰ هزار نفر است (کمتر از یک درصد جمعیت کل کشور) تراکم جمعیت در کهگیلویه و بویر احمد ۱۷٫۲ نفر در هر کیلومتر مربع است.^۶ مذهب عشایر شیعه اثنی‌عشری و زبان آنان لری است.

در سال ۱۳۴۶ در حدود ۴۶ درصد از جمعیت این ناحیه را کوچگران دامدار تشکیل می‌دادند و ۴۱ درصد در روستاها ساکن بودند و فقط ۱۳ درصد را شهرنشینان در اختیار داشتند.^۷

۳- رک: جمعیت و شناسنامه ایلات کهگیلویه، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، گروه عشایری، ۱۳۴۶

۴- جاشیر از علوفه بسیار مغذی برای گوسفند و بز در منطقه به حساب می‌آید.

۵- آمار سالیانه هواشناسی کل کشور.

۶- تراکم جمعیت کل کشور در سال یاد شده. ۲۰/۴ نفر در هر کیلومتر مربع است.

۷- رک: جمعیت و شناسنامه ایلات کهگیلویه- مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران- گروه عشایری ۱۳۴۶.

اساس فعالیت اقتصادی کوچگران این منطقه بر بنیان دامداری است و توزیع دام تبعی است از مراتع طبیعی. قسمت اعظم دامداران کوچرو زمستانها را در نواحی جنوبی و جنوب غربی که به جلگه های خوزستان متصل است می گذرانند و تابستانها را در ارتفاعات شمالی و شمال شرقی بسر می برند. و ضمن چرانیدن دامهای خود در هر يك از دو منطقه زیستی، اندك زمین کشاورزی خود را به زیر کشت گندم و جو میبرند. زندگی روستائیان مبتنی بر کشت گندم جو، برنج و چغندر قند است و ارزش تولیدات زراعی منطقه به يك درصد از کل ارزش تولیدات زراعی کشور نمی رسد در حالی که دامداری منطقه به حدود ۵ درصد کل دامداری کشور بالغ می شود و دام غالب در این منطقه گوسفند و بز است. ابزار کار کشاورزی^۸ و نوع مسکن غالب آن سنتی است^۹. بخش جنوبی کهگیلویه و بویر احمد محل ذخایر غنی نفت گچساران است که توسعه شهری را در دو گنبدان سبب شده است. با توجه به اینکه در رژیم گذشته سیاست برنامه ریزی اقتصادی به منظور اسکان عشایر کهگیلویه و بویر احمد بوده است، هر چند در دوره اجرای برنامه ریزی باشکست مواجه شده بود. ولی امروزه مشاهده می گردد که علی رغم رشد شدید جمعیت در این ناحیه عدد خانوارهای کوچرو از ۲۲ هزار در سال ۱۳۴۶ به ۱۶ هزار در سال ۱۳۶۲ تقلیل یافته است^{۱۰}. با وجود این، خانوارهای کوچرو درصد مهمی از جمعیت منطقه را دربر دارد و جا دارد تا هر يك از پدیده های زندگی

۸- رک: ابزار کار سنتی در کهگیلویه و بویر احمد- عباس بخشنده نصرت. مجله زیتون، شماره ۲۱، بهمن ماه سال ۱۳۶۱ ص ۵۵-۶۰

۹- رک: مسکن سنتی در کهگیلویه و بویر احمد. عباس بخشنده نصرت. گزارشهای جغرافیایی پنجمین سمینار جغرافیدانان ایران ص ۴۱-۵۳.

۱۰- رک: ۱- نشریه عشایر در آئینه آمار سازمان برنامه و بودجه کهگیلویه و بویر احمد سال ۱۳۶۲.

۲- نظراتی در باره چشم انداز آینده زندگی عشایر- تدوین و جمع آوری محمد جواد

مرادی نژاد کارشناس دفتر برنامه و بودجه استان، بهمن ۱۳۶۴.

اساس فعالیت اقتصادی کوچگران این منطقه بر بنیان دامداری است و توزیع دام تبعی است از مراتع طبیعی. قسمت اعظم دامداران کوچرو زمستانها را در نواحی جنوبی و جنوب غربی که به جلگه‌های خوزستان متصل است می‌گذرانند و تابستانها را در ارتفاعات شمالی و شمال شرقی بسر می‌برند. و ضمن چرانیدن دامهای خود در هر يك از دو منطقه زیستی، اندك زمین کشاورزی خود را به زیر کشت گندم و جو می‌برند. زندگی روستائیان مبتنی بر کشت گندم جو، برنج و چغندر قند است و ارزش تولیدات زراعی منطقه به يك درصد از کل ارزش تولیدات زراعی کشور نمی‌رسد در حالی که دامداری منطقه به حدود ۵ درصد کل دامداری کشور بالغ می‌شود و دام غالب در این منطقه گوسفند و بز است. ابزار کار کشاورزی^۸ و نوع مسکن غالب آن سنتی است^۹. بخش جنوبی کهگیلویه و بویر احمد محل ذخایر غنی نفت گچساران است که توسعه شهری را در دو گنبدان سبب شده است. با توجه به اینکه در رژیم گذشته سیاست برنامه‌ریزی اقتصادی به منظور اسکان عشایر کهگیلویه و بویر احمد بوده است، هر چند در دوره اجرای برنامه‌ریزی باشکست مواجه شده بود. ولی امروزه مشاهده می‌گردد که علی‌رغم رشد شدید جمعیت در این ناحیه عدد خانوارهای کوچرو از ۲۲ هزار در سال ۱۳۴۶ به ۱۶ هزار در سال ۱۳۶۲ تقلیل یافته است^{۱۰}. با وجود این، خانوارهای کوچرو درصد مهمی از جمعیت منطقه را دربر دارد و جا دارد تا هر يك از پدیده‌های زندگی

۸- رک: ابزار کار سنتی در کهگیلویه و بویر احمد- عباس بخشنده نصرت. مجله زیتون، شماره ۲۱،

بهمن ماه سال ۱۳۶۱ ص ۵۵-۶۰

۹- رک: مسکن سنتی در کهگیلویه و بویر احمد- عباس بخشنده نصرت. گزارشهای جغرافیایی

پنجمین سمینار جغرافیدانان ایران ص ۴۱-۵۳.

۱۰- رک: ۱- نشریه عشایر در آئینه آمار سازمان برنامه و بودجه کهگیلویه و بویر احمد سال ۱۳۶۲.

۲- نظرانی درباره چشم انداز آینده زندگی عشایر- تدوین و جمع آوری محمد جواد

مرادی نژاد کارشناس دفتر برنامه و بودجه استان، بهمن ۱۳۶۴.

آنان مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد. بهمین مناسبت نگارنده سعی کرده است که تأملی در مسکن آن سامان بکند و نکات منفی و مثبت آنرا مورد بررسی قرار دهد تا شاید در آینده برای راه حل‌های مشکلات زندگی مردم آن سامان مفید افتد:

مسکن ایلات کوچ‌رو در کهگیلویه و بویراحمد از طرفی تابع شیوه زندگی متحرک و از طرف دیگر منطبق با نظامات اقتصادی و اجتماعی حاکم بر آنان است. این انتخاب در سایر نواحی مشابه ایران از نظر داده‌های طبیعی و مصالح غالب موجود در منطقه با کمی اختلاف مشابه است و از نظر تدقیق در جنبه‌های مثبت و منفی می‌تواند تا حدی قابل تعمیم در سایر نواحی نیز باشد.

کوچگران این منطقه نیمی از سال را (بهار و تابستان) در نواحی کوهپایه‌ای و کوهستانی تردد می‌کنند و نیم دیگر را (پائیز و زمستان) در نواحی پست و دشت‌ها و جلگه‌های اطراف منطقه جابجا می‌شوند. این جابجایی اساساً منشأ اقتصادی دارد و به منظور تعلیف دام و استفاده از مراتع طبیعی است که با نظم خاص در طی قرون و اعصار استمرار یافته است. در این جابجایی و تردد چنان نظم و برقراری است که گویی طبیعت و داده‌های آن این انسانها را بدنبال خود می‌کشاند و این شیوه از زندگی را به آنان تحمیل می‌کند. چون این توده از ساکنان این سرزمین هیچ تلاشی در جهت به اختیار درآوردن طبیعت و مهار کردن آن از خود به خرج نمی‌دهند و در طول زندگی چند هزار ساله خود^{۱۱} تا به امروز مقهور طبیعتند یا بهتر گفته باشیم جبر جغرافیایی بر حیات آنان حکم فرماست.

کوچگران کهگیلویه و بویراحمد هر ساله بتفاوت بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ کیلومتر طول راه را از ارتفاع ۳۰۰ متری تا بیش از ۳۰۰۰ متری با پای

۱۱ - رک. تاریخ ایران باستان، کتاب دوم - حسن پیرنیا (مشیرالدوله).

پیاده طی می کنند و تمام نیازمندیها و هستی خود را نیز در این صعود و نزول به همراه می برند^{۱۲} تا در هر جا که لازم باشد از آن استفاده به عمل آورند. از این جهت جز لوازم بسیار سبک و ضروری را نمی توانند با خود حمل کنند و از آنجائی که فقط به هنگام استراحت در شب احتیاج به سرپناهی دارند و در روز برای حفظ مختصر اثاثیه زندگی خود به محلی نیازمندند از ساده ترین و کم هزینه ترین نوع ممکن مسکن استفاده به عمل می آورند که ساده ترین آن کپر و اصیلترین آن سیاه چادر است.

۱- کپر:

کپر نوعی از مساکن عشایر کهگیلویه و بویر احمد است که در فصل بهار و تابستان در مناطق سردسیر بوسیله دامداران کوچرو به منظور سکونت موقت هر خانوار ساخته می شود بیشتر مصالح کپر از محیط اطراف محلی که هر یک از خانوارهای کوچرو قصد اقامت در آن را دارند تهیه می شود و بدون تغییر و تصرف در شکل ظاهری مواد اولیه آن مورد استفاده قرار می گیرد مثلاً از چند قطعه شاخه کلفت درختان بلوط بعنوان چهار ستون عمودی استفاده می شود و در اطراف آن چندلت (تکه)^{۱۳} سیاه چادر نصب می کنند یا با شاخ و برگ درختان فواصل بین ستونها پر می شود. یا از چند قطعه نی بافته شده استفاده می شود (ش ۱) سقف کپر را با شاخ و برگ درختان می پوشانند. مهمترین علل انتخاب این نوع مسکن بقرار زیر است.

۱-۱- جلوگیری از گرمای تابستان، چون هوای داخل کپر ۵ تا

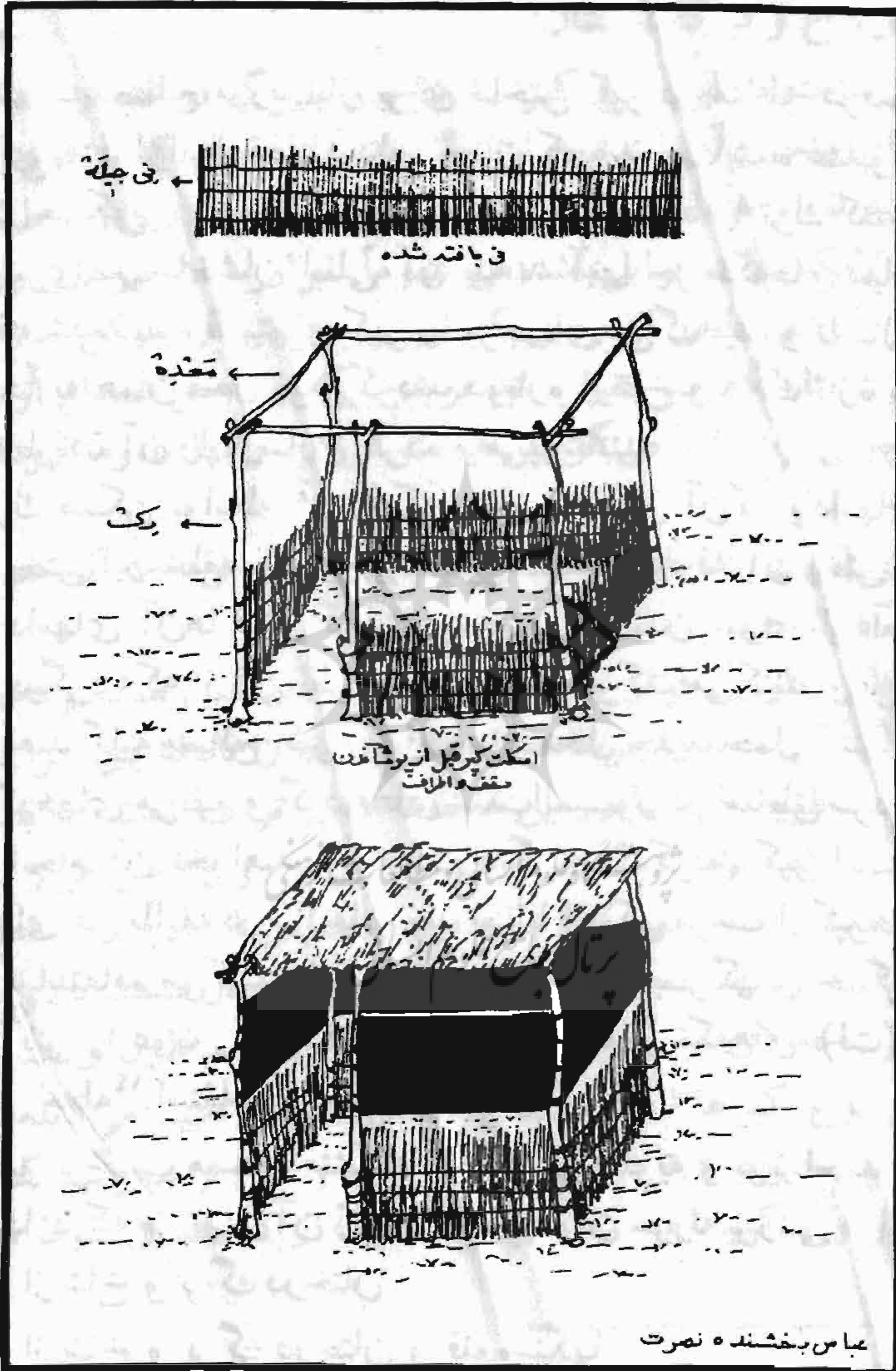
۱۲- رک: ایل بهمنی- مرحوم دکتر نادر افشار نادری ۱۳۴۶- مقدمه- مؤسسه مطالعات و تحقیقات

اجتماعی دانشگاه تهران.

۱۳- لت: LAT یک تکه سیاه چادر است که عرض آن ۳۰ تا ۶۰ سانتیمتر و طول آن در حدود ۶

متر است.

کپر از نی در میانه چادر



۶ درجه سانتیگراد خنکتر از هوای داخل سایر انواع مسکن در منطقه یاد شده است.

۲-۱- مصالح مورد نیاز برای ساختن کپر در مناطق سردسیری و گرمسیری به فراوانی وجود دارد چنان که موجب شده عشایر با ترك يك بخش مسکونی از منطقه سردسیری کپرهای خود را ترك کنند بدون آنکه تغییری در ساختمان اصلی آن بدهند آنها جز تکه‌های سیاه چادر و نی بافته شده، بقیه قسمت‌های کپر را برجای می‌گذارند و تا سال آینده که مجدداً به همان محل برمی‌گردند دوباره از شاخ و برگ تازه درختان سقف و اطراف آن را بازسازی کرده و می‌پوشانند.

ترك مسکن بواسطه آنست که عشایر پس از آن که بادامهای خود در يك بخش از منطقه سردسیری مستقر شدند و علوفه آن بخش مورد استفاده دامهای آنها قرار گرفت، بمحض کم شدن علوفه، از آن محل به محل دیگری که از این نظر مناسبتر است حرکت می‌کنند و بفرض این که بخواهند کلیه مصالح کپر را باخود به محل جدید حمل کنند بواسطه وجود کوههای مرتفع و گردنه‌های صعب‌العبور در مناطق سردسیری قادر به انجام آن نخواهند بود. علت دیگر رها کردن کپر اینست که خانوارهای هر طایفه در سال‌های بعد نیز با اندکی مرمت از کپرهای سال قبل خود استفاده می‌کنند، فقط کمی از شاخ و برگهای خشکیده یا پوسیده کپر را عوض می‌کنند یا بجای آنها از تکه‌های (لت) سیاه چادریانی جيله^۴ استفاده می‌شود.

کپر بر حسب مصالح متشکله آن در کهگیلویه و بویراحمد انواع مختلف دارد که می‌توان آن را تحت سه عنوان مورد بررسی قرار داد:

— از شاخ و برگ درختان

— از شاخ و برگ درختان و قلوه‌سنگها

— از نی و سیاه چادر.

الف: کپر از شاخ و برگ درختان:

اساس ساختمان این نوع کپر را شاخ و برگ درختان تشکیل می‌دهد. برای ساختن آن ابتدا چهار تیر^{۱۵} چوبی نسبتاً بلند که ارتفاع آنها در کپر ها مختلف و متفاوت است انتخاب می‌کنند و سعی می‌شود طول چوبها حتی الامکان باهم برابر باشد ولی عموماً نابرابر است تیرهای چوب را در چهار گوشه سطحی از زمین که طول و عرض آن ممکن است از ۳/۵×۵/۵ متر تا ۶×۶ متر تغییر کند برپا می‌کنند. به هر کدام از این چهار تیر چوبی (رك) ^{۱۶} می‌گویند. قسمت فوقانی رکها عموماً دوشاخه است.

بر روی این ۴ رك چهار قطعه چوب دیگر قرار می‌دهند که معده^{۱۷} یا تیر نامیده می‌شود.

معده‌ها را طوری فرار می‌دهند که دوسر آنها در وسط دوشاخه‌ها (رکها) قرار گیرد. بعد با سرشاخه‌های بلند درختان فاصله بین هر ۲ رك را می‌پوشانند. طریقه قرار دادن این شاخه‌ها بدین ترتیب است که قسمت کلفت شاخه را که قطع شده است در سمت پائین و روی زمین قرار داده قسمت سرشاخه‌ها را به (معده) ها تکیه می‌دهند. پس از آن با شاخه‌های کوچکتر فواصل بین شاخه‌های بزرگتر را می‌پوشانند در قسمت بالای کپر نیز بیشتر سرشاخه‌های بزرگ و کوچک قرار می‌دهند. طول و عرض معمولی این نوع کپر ها از ۲/۵×۳/۵ تا ۶×۶ متر تغییر می‌کند ولی ارتفاع آنها در حدود ۲ تا ۳ متر است. چوب و شاخ و برگی که در ساختمان این نوع کپر ها به کار می‌رود عموماً از درختان بلوط قطع می‌شود.

چوبها و شاخ و برگ درختان بوسیله مردان از سرشاخه‌های درختان جنگلی قطع می‌گردد و با الاغ و یا توسط عشایر به محل کپرها حمل می‌شود در ساختن کپر مرد و زن باهم کمک می‌کنند چنان‌که نصب تیرها و رکها با مردان و به کار گذاشتن شاخ و برگ اطراف و سقف کپر با زنان است و گاهی مشترکاً انجام می‌شود.

بد کپر از شاخ و برگ درختان و قلوه سنگها:

اساس ساختمان این نوع کپر را در قسمت پایین دیواره آن، قلوه سنگها و در قسمت سقف، شاخ و برگ درختان تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب که ابتدا ۴ تیر چوبی (رك) را در چهار گوشه سطحی از زمین که به صورت مستطیلی است و با ابعاد $۳/۵ \times ۲/۵$ متر تا ۵×۳ متر تغییر می‌کند برپا می‌کنند پس از آن در فواصل تیرها (رکها) قلوه سنگهای بزرگ و کوچک را بدون ملاط رو به هم می‌چینند. قلوه سنگهای بزرگتر را در قسمت زیر و کوچکتر را در روی آنها قرار می‌دهند تا به صورت دیواره‌های کوتاه درآید ارتفاع تقریبی این دیواره‌ها به ۷۰ سانتیمتر می‌رسد. در فواصل هر ۲ رك سرشاخه‌های بزرگ و کوچک درختان را طوری قرار می‌دهند که قسمت قطع شده و کلفت سرشاخه‌ها بر روی سنگها قرار گیرد و قسمت باریک سرشاخه‌ها به چوبهای معده تکیه داده شود. روی کپر را نیز به وسیله شاخ و برگ درختان می‌پوشانند ارتفاع متوسط این نوع کپر به $۲/۵$ متر می‌رسد.

نوع چوب و شاخ و برگ‌هایی که در بنای این نوع کپرها به کار می‌رود از سرشاخه‌های درختان بلوط است و قطع و حمل آنها از جنگل به محل مورد استفاده وسیله مردان انجام می‌شود. حمل سنگ وسیله مردان و زنان مشترکاً به عمل می‌آید و نصب چوبها وسیله مردان انجام می‌شود ولی چیدن سنگها با زنان و کودکان است.

ح - کپر از نی و سیاه چادر:

اساس این نوع کپر چند لت (تکه) سیاه چادر و مقداری نی و چند ستون چوبی به نام (رك) است. معمولاً تعداد ستونهای چوبی چهار قطعه است که هر کدام در يك گوشه از زمین مسطح چهار ضلعی به صورت عمودی بر پا می‌شود.

رکها عموماً کلفت بوده از ساقه درختانی که بنه قطر ۱۰ تا ۲۰ سانتیمتر است استفاده می‌شود در کپرهای بزرگ گاهی در وسط آن نیز چند رك نصب می‌گردد چنانکه تعداد رکها در يك کپر بزرگ که به طول و عرض ۶×۴ متر باشد فقط ۴ قطعه است ولی در کپرهایی که اندازه طول و عرض آنها تا ۱۰×۱۲ متر باشد از ۹ قطعه رك استفاده می‌شود که در این اندازه ۶ رك در اطراف و ۳ رك در قسمت وسط کپر نصب می‌شود.

در روی رکها ۴ تیر کلفت و محکم به نام (معدنه) و در روی هر دو معدنه مقابل هم چوبهایی با موازات یکدیگر قرار می‌دهند که به آنها تیره گویند^{۱۸}.

در روی معدنه‌ها سرشاخه‌های درختان را قرار می‌دهند که «سیدار» نامیده می‌شود^{۱۹} و بدین ترتیب سقف کپر پوشانده می‌شود. قسمتی از دیواره‌های این نوع کپر از نی‌هایی است که با «بنه»^{۲۰} به هم بافته شده است اندازه طول این نی‌ها تقریباً به یکمتر می‌رسد و با بنه‌هایی به قطر ۲ الی ۳ میلیمتر و موازی و در کنار هم بافته شده و از طرفین به رکها متصل می‌گردد.

فاصله قسمتی که بین بالاترین حد دیواره نی تا سقف کپر بازمی‌ماند و تقریباً در حدود ۱/۵ متر است از يك تکه سیاه چادر که بعرض ۶۰

۱۸ - TIREH

۱۹ - SEYDAR

۲۰ - BANEH نخ کلفتی که با پشم و مویافته می‌شود.

سانتیمتر است پوشانده می‌شود. گاهی هم به جای سیاه چادر از شاخ و برگ درختان استفاده می‌شود. چون فاصله بین نی‌ها و قسمت بالای سیاه چادر اندکی باز است بین هوای خارج با هوای داخل کپر کاملاً جریان برقرار می‌شود ولی آفتاب به داخل کپر نمی‌تابد در نتیجه هوای داخل کپر خنک و مطبوع می‌شود.

معمولاً شکل این نوع کپر‌ها به صورت مکعب مستطیلی است که طول و عرض آنها ۳×۵ متر و ارتفاع آنها بین ۵/۲ تا ۸/۲ متر است البته کوچکتر از این ابعاد نیز به چشم می‌خورد. بزرگی و کوچکی هر کپر وابسته به قدرت اقتصادی هر خانوار و تعداد ساکنان آنست مثلاً ممکن است از ۲×۳ متر تا ۱۰×۱۴ متر تغییر کند. نمونه کپر ۱۰×۱۴ متر در سیاه‌شیر (بهمنی) دیده شده است. در یک کپر ممکن است یک یا ۲ خانوار زندگی کنند. بیشتر چوبهائی که برای «رک» و «معد» و «تیره» و «سیدار» به کار می‌رود از چوب درختان بلوط است که در تمام منطقه کهگیلویه بحد وفور به چشم می‌خورد.

نی^{۲۱} را بیشتر از منطقه گرمسیری مخصوصاً از اطراف رودخانه «چال کوه»^{۲۲} واقع در تنگ «تامرادی»^{۲۳} «تشان»^{۲۴} «تنگ چوپل»^{۲۵} «ابوالفارس»^{۲۶} دره آسیاب، دره زنگ، دره گفتارک (درطیبی) از لیگین^{۲۷} در دشمن زیاری - کنار رودخانه چرام، نازمکان، امامزاده پهلوان، به محل مورد نیاز می‌آورند و حمل آن به وسیله الاغ انجام می‌گیرد و در محل استقرار «مال» به وسیله زنها بافته می‌شود. (مال

۲۱ - نی را در بویر احمد «نی جیت» و در طیبی «گرسنه» گویند. NEY - Djit - GARSANEH

۲۲ - CHAL-KUH

۲۳ - TAMORADI

۲۴ - TASHAN

۲۵ - CHAVIL

۲۶ - ABOLFARES

۲۷ - LIGIN

واحد اجتماعی اقتصادی کوچ است و آن از چند خانوار کوچ رو که با هم به گرمسیر و سردسیر می‌روند تشکیل شده است).

۲- سیاه چادر (بهون)^{۲۸}

سیاه چادر مسکن غالب برای عشایر منطقه کهگیلویه و بویراحمد است. اساس ساختمان آن چند «پایه» چوبی و چند «لت» سیاه چادر است. مواد اولیه لتهای سیاه چادر از موی سیاه بز است که پس از شستن و پاک کردن آنرا با پره می‌ریسند و به صورت نخهای کلفتی که به قطر تقریبی ۲ میلیمتر است درمی‌آورند و با آن نخها در کارگاه کوچکی سیاه چادر را می‌بافند.

طول سیاه چادرهای معمولی ۵ تا ۶ متر است و عرض آنها از ۲/۵ تا ۴ متر تغییر می‌کند. سیاه چادر از به هم دوختن چند لت پارچه سیاه چادر ساخته می‌شود و به اطراف آن در فاصله هر ۱ متر تا ۲ متر بندهایی وصل می‌شود که برای نصب سیاه چادر و برپا داشتن آن به کار می‌رود. این بندها بوسیله خود عشایر از مو و پشم بطور مخلوط بافته می‌شود. چوبهائی که برای نصب سیاه چادر به کار می‌رود عبارتست از چند پایه بلند و باریک در اطراف چادر نصب می‌شود و چند تیر چوب دیگر که به نام «ستین» یا دیرک^{۲۹} نامیده میشود و در وسط چادر و موازی پایه‌ها به صورت عمودی در زمین برپا می‌شود بر روی پایه‌ها و ستین‌ها چوب بلند و باریکی قرار می‌دهند که «کوماچ»^{۳۰} نامیده میشود. در گوشه‌های سیاه چادر پایه‌های کوتاهی نصب می‌شود که قسمت بالای پایه‌ها دوشاخه است و در زیر بندهای متصل به چادر قرار داده می‌شود تا چادر را نگهدارد.

BOHUN - ۲۸

DIRAK U SETIN - ۲۹

KOMACH - ۳۰

این پایه‌ها را «پیشه بهون» می‌گویند^{۳۱}. قسمتی از سیاه چادر که در بالای پایه‌ها قرار می‌گیرد وسیله قطعه چوبی که «قچه»^{۳۲} نامیده می‌شود به بند بهون وصل می‌شود و گاهی بجای «قچه» از «هچه»^{۳۳} استفاده می‌شود. سر دیگر بند بهونها را یا با منحنیهای چوبی می‌بندند که با فاصله یکی دو متر از چادر در زمین نصب می‌شود. یا به چوب دو شاخه‌ای که بر روی آن سنگهای درشتی قرار می‌دهند و بنام «هرکه»^{۳۴} مینامند وصل می‌شود. قسمتی از لتفها که از اطراف سیاه چادر آویزان می‌شود بوسیله خلالی به هم وصل می‌شود. علت انتخاب این نوع مسکن در منطقه یکی بواسطه سبکی آن از جهت حمل و نقل است، چون افراد ایل دائماً در حرکت هستند و از طرفی راه آنان نیز کوهستانی است که اگر سبک نباشد قادر به حمل و نقل آن در ارتفاعات نخواهند بود. دیگر این که در نواحی گرمسیری نیز در وسعت زیادی جابجا می‌شوند و نمی‌توانند از انواع دیگر مسکن استفاده کنند. ضمناً چنانکه قبلاً نیز عنوان شد، چون جنس سیاه چادر از موی سیاه بز است، بهنگام بارندگی تارهای آن منبسط شده شبکه‌های آن مسدود می‌گردد در نتیجه مانع از نفوذ باران در داخل سیاه چادر می‌شود. برخلاف آن بهنگام گرمی و خشکی هوا بعلت انقباض تارها و نازکتر شدن آنها شبکه‌های سیاه چادر بازتر شده جریان هوا به داخل سیاه چادر تسریع می‌یابد و موجبات خنکی هوای داخل سیاه چادر را فراهم می‌سازد. در واقع سیاه چادر در فصل تابستان و زمستان تنظیم کننده هوای گرم و سرد برای کوچ‌روهای دامدار است. در منطقه سرسیری که محل زیست بهار و تابستان عشایر است بواسطه اعتدال هوا و سرسبزی زمین و کمبود نزولات جوی در تابستان بهترین نوع مسکن

PISHE - BOHUN - ۳۱

GHECH - CHEH - ۳۲

HECH - CHEH - ۳۳

HAREKEH - ۳۴

موجود می باشد. سیاه چادر در منطقه کهگیلویه و بویر احمد سه نوع است.

الف - نوع زمستانی که «بهون» نامیده میشود.

ب - نوع تابستانی که گرمه یا «یَلَن» گفته می شود.

ج - نوع پائیزه که در واقع همان گرمه یا یلن است که دورتا دور

آنها می پوشانند.

سیاه چادر زمستانی عموماً دارای دو پایه است که یکی در قسمت

جلو و دیگری در قسمت عقب چادر بطور عمودی نصب می شود و فاصله

آنها از طرفین چادر مساویست. در فواصل پایه ها «ستین» ها یا دیرک ها

نصب می شود.

بر روی پایه ها - «ستین» و «کوماچ»^{۳۵} را قرار می دهند، کوماچ

دارای سوراخهایی است که نوک چوبهای پایه و ستین در داخل آن قرار

می گیرد و روی آنها لت سیاه چادر گذاشته می شود که از وسط به طرفین

شیب دارد. علت شیب دار بودن قسمت فوقانی سیاه چادر بدان سبب است که

در صورت بارانی شدن هوا آب بداخل چادر نفوذ نکند.

لتهای يك سیاه چادر زمستانی، ممکن است از ۶ تا ۱۲ تکه بهم

دوخته شده تشکیل یابد. پس از قرار دادن لت، «لتف»^{۳۶} را به آن وصل

می کنند لتف سیاه چادر از نظر جنس و رنگ مثل لت است ولی عرض آن

وسیعتر و ضخامت آن نیز بیشتر است و معمولاً از دو تکه بهم دوخته شده

تشکیل می شود که دور تا دور سیاه چادر زمستانی را با آن می پوشانند.

ولی در سیاه چادر تابستانی تعداد تکه های لت کمتر است، چنانکه

از ۴ تا ۸ تکه تغییر می کند و سطح فوقانی آن نیز پس از نصب، شیب

ندارد و تقریباً مسطح است علت نداشتن شیب این است که در تابستان

در محل سردسیری نزولات جوی بسیار محدود است و لزومی در مورد

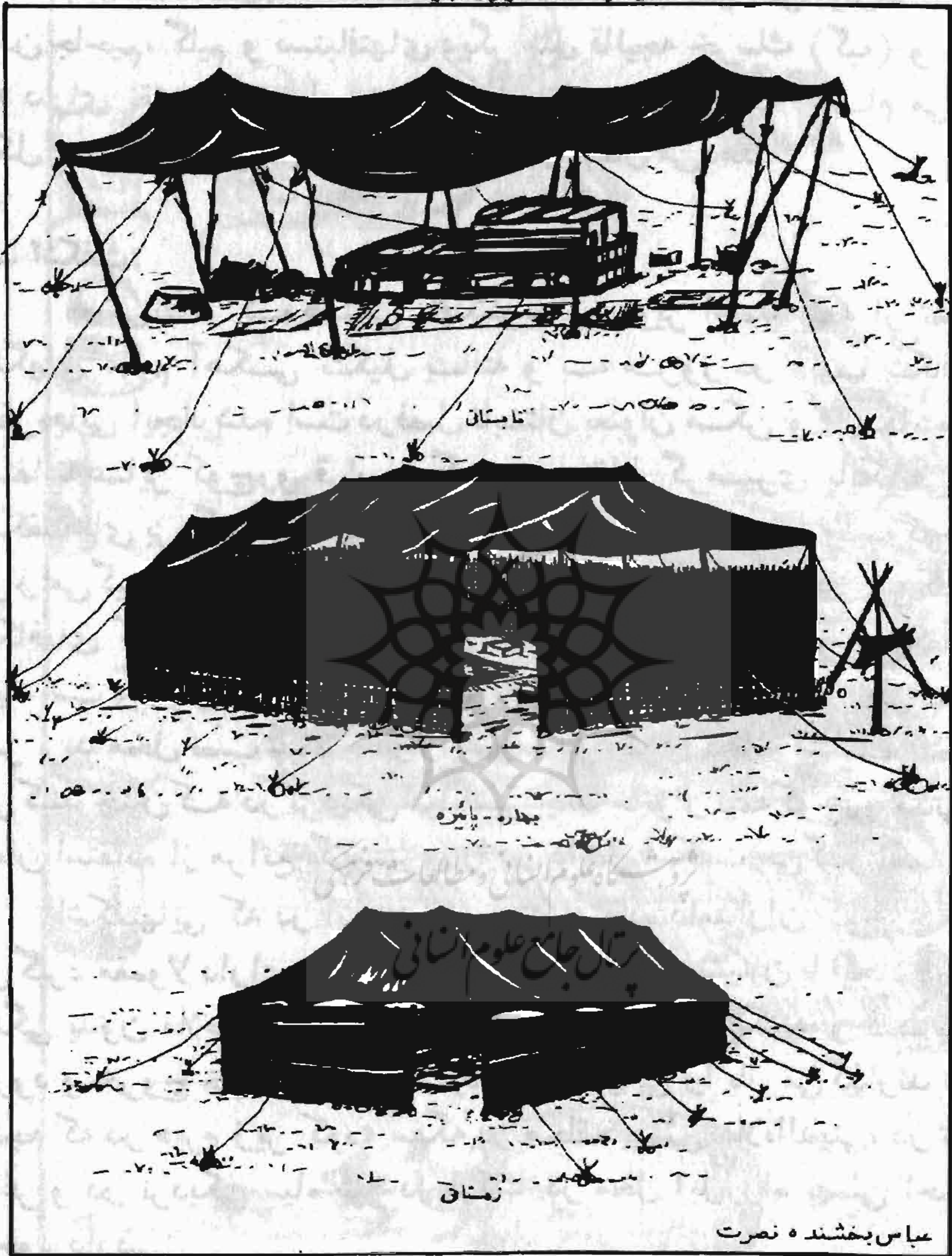
شیب دادن به سطح سیاه چادر احساس نمی‌شود. دیگر این که در سیاه چادر تابستانی عموماً لطف نصب نمی‌شود و اگر هم نصب شود فقط يك تکه است و قسمت پایین آن نیز باز است.

در بعضی نمونه‌های سیاه چادر تابستانی قسمت پایین سیاه چادر را با «نی چیت» پرچین می‌کنند یا با قلوه سنگهای بزرگ و کوچک و قسمت فوقانی نی چیت یا قلوه سنگها را با يك تکه «لطف» می‌پوشانند که این نوع سیاه چادر در پائیز هم مورد استفاده قرار می‌گیرد. فاصله بین لطف و سقف سیاه چادر تابستانی عموماً باز است تا جریان هوا به راحتی به داخل چادر نفوذ یابد.

استقرار لوازم و اثاثیه خانوارهای کوچ‌رو در داخل هر سیاه چادر با کمی تفاوت به شرح زیر است: در قسمت عقب و دور از دسترسی بچه‌ها، نیازمندیهای لازم خانوار کوچ‌رو گذاشته می‌شود که شامل رختخواب و مواد غذایی مورد مصرف خانوار است نظیر بقولات، یا کمی حبوبات، پشم، یا گبه و گلیم و دستبافهای دیگر که معمولاً در بخش طولی و گاهی در قسمت عرضی و در تلواره گذاشته می‌شود (تلواره معمولاً با روبهم گذاشتن چند قلوه سنگ و یا نصب چند پایه چوبی به صورت سکویی در می‌آید که دارای دو بخش تحتانی و فوقانی است که در قسمت تحتانی صندوق یا کیسه‌های بقولات و البسه و فرش و دستبافتهای خانوار گذاشته می‌شود و در روی آن رختخواب را قرار می‌دهند که در زیر لحاف و تشك و در بالای همه، متکا و بالش گذاشته می‌شود).

در سیاه چادر زمستانی (بهون) کوچ‌روهای کم بضاعت معمولاً تلواره را طوری قرار می‌دهند که فضای داخلی سیاه چادر را به دو بخش تقسیم می‌کنند. در بخش جلوی آن فرزندان و همسر رئیس خانوار و در قسمت عقب رئیس خانوار استراحت می‌کند و اگر مهمان یا افراد خارجی به دیدن رئیس خانوار بیایند در بخش عقب از آنها پذیرایی می‌شود.

انفاج میاه چادر در گهگیلویه و بویراحمد



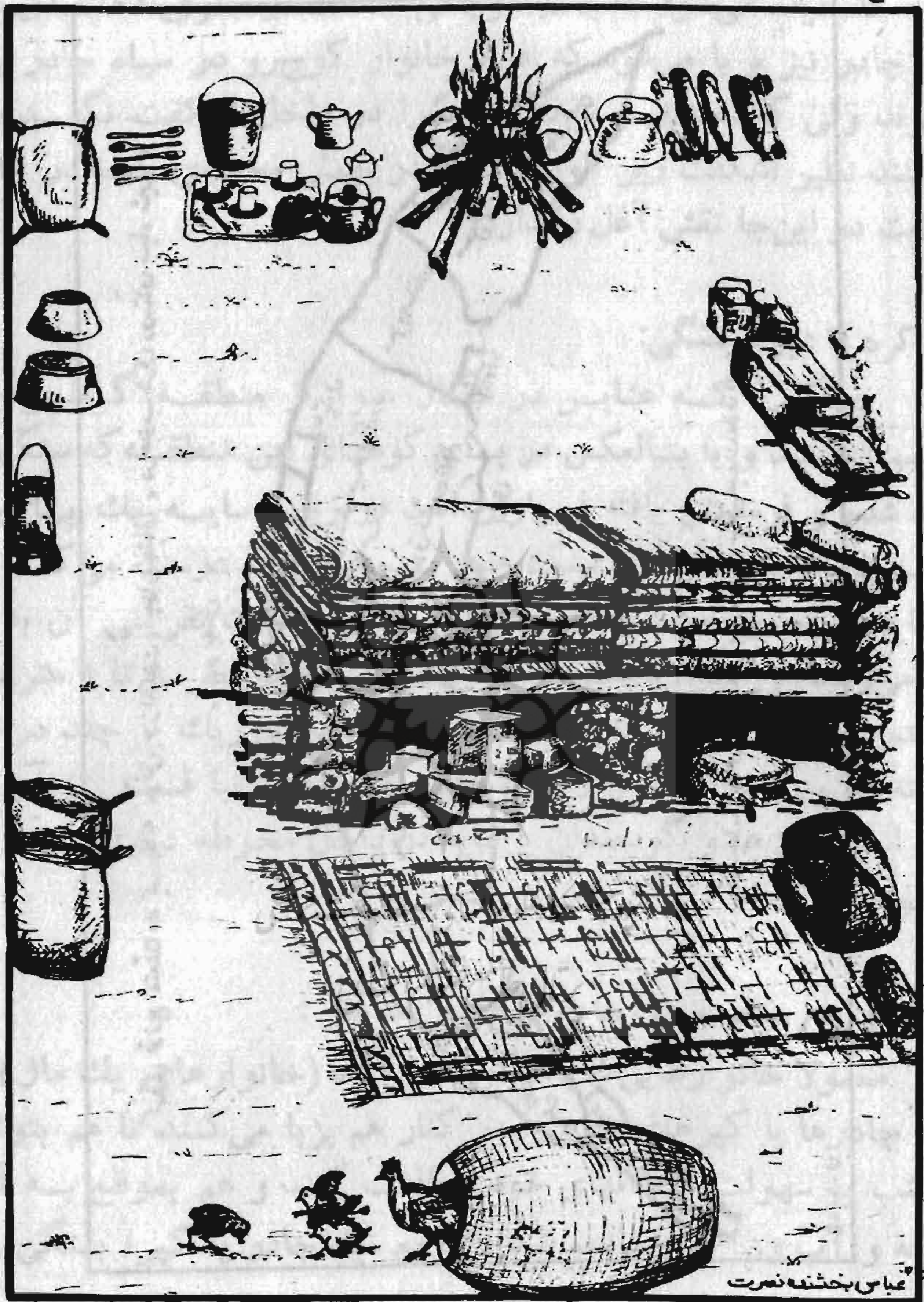
ش ۱

ترینات داخلی سیاه چادر کوچ‌روهای نسبتاً توانگر بوسیله قرار دادن جاجیم، گلیم و دستبافتهای دیگر مثل قالیچه خرسک (گبه) و غیره که دارای نقش‌های بسیار ابتدایی ولی خوشرنگ است انجام می‌شود. شکل ۳ توزیع سایر اشیاء در سیاه چادر را نشان می‌دهد.

۳- اشکفت:

بعضی نقاط کوهستانی کهگیلویه و بویر احمد که از تخته سنگهای عظیم آهکی تشکیل یافته و به مرور در آنها شکاف و حفره‌هایی ایجاد شده است در فصل تابستان بعنوان مسکن و پناهگاه مورد استفاده عشایر کوچ‌رو قرار می‌گیرد. در نقاط گرمسیری پایکوهی نیز اشکفت‌های بزرگ مورد استفاده خانوارهای دامدار کوچ‌رو و نیمه کوچ‌رو قرار می‌گیرد و عشایر رمه گردانی خود را ضمن استقرار در این گونه شکافهای کوهها انجام می‌دهند. در نواحی که وسعت اینگونه اشکفتها زیاد است و خانواده‌های رهمدار بزرگ می‌توانند مدتی را در اطراف آن بسر برند محل نصب سیاه چادر را عموماً در جلوی دهانه اشکفت انتخاب می‌کنند چنان‌که در نزدیکی سیاه شیر چند خانوار نیمه کوچ‌رو مدتی از زمان استفاده از مراتع گرمسیری را در داخل اشکفت می‌گذرانند.

اشکفتهایی که در این منطقه مورد استفاده دامداران کوچ‌رو قرار می‌گیرد معمولاً دارای دهانه‌ای فراخ است و کوچ‌نشینان با ایجاد دیواره سنگی بدون ملاط (کره) ^{۳۷} جلوی آن را مسدود می‌کنند و فقط برای ورود و خروج خود و حیوانات (دام) قسمتهایی را باز می‌گذارند نظیر آنچه که در «برم زیر کوه» سفگه در منطقه بهمئی علاءالدینی، در تنگ ماغر و در نزدیکی سیاه شیر در لیکک در محل ایل راه بهمئی احمدی وجود دارد.



عباس بخشینه نعلرت

کردگی توزیع متعلقات یک خانه مستقی در اینکنت و چهار ششمنان - در جنوب شرق دستای میانه شیر

« در بهمنی »



تقسیمات داخلی اینکنت از دیواره های مستوی بدون مطلق است

نقشه ۴

۵-ب-۶

گاه دیده می‌شود که بعلت کوچکی اشکفت در جلوی دهانه آن چند سیاه چادر نیز برپا می‌شود که افراد خانوار کوچ‌رو در سیاه چادر بسر می‌برند ولی گوسفندان و بزهای خود را در داخل اشکفت نگهداری می‌کنند نظیر اشکفت زیر کوه سردک^{۳۸} در بهمنی محمدی که در واقع اشکفت در این جا نقش آغل را دارد.

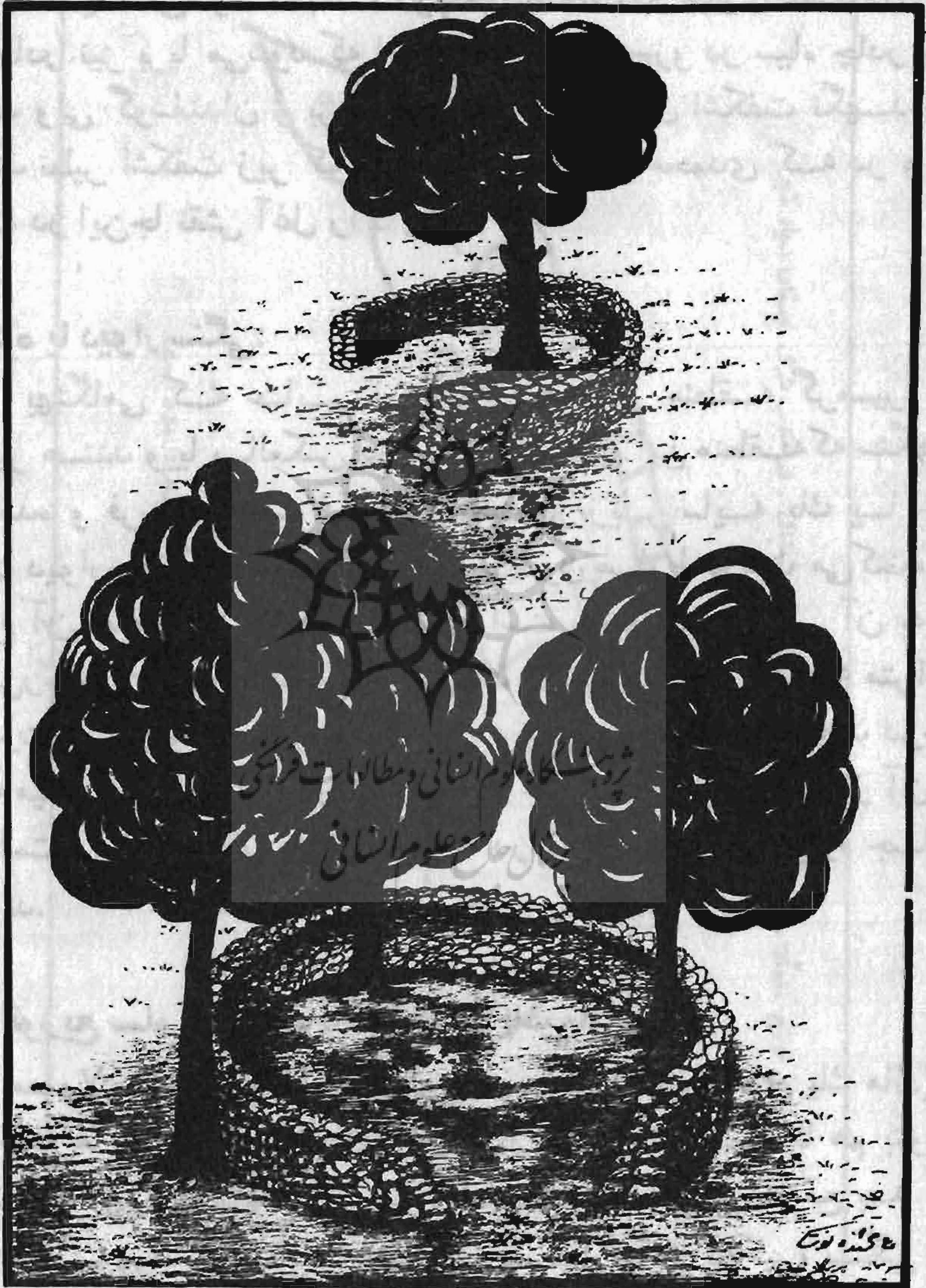
۴- کره یا دیوار سنگی:

بهنگامی که عشایر در حال عبور از منطقه گرمسیر به سردسیر هستند و یا بالعکس در پای کوههای این منطقه که سنگهای خرد شده و فرسایش یافته فراوان است در زیر سایه يك یا چند درخت دیوارهای کوتاه یا سنگ چین بدون ملاط درست می‌کنند که ارتفاع آن حدود ۶۰ الی ۸۰ سانتیمتر است و ضخامت تقریبی آن به نیم متر می‌رسد این دیواره معمولاً به صورت دایره‌ای به قطر ۶ تا ۹ متر است و بندرت ممکن است بیشتر باشد چون دیواره در دوریک یا چند درخت ساخته میشود و در طول روز با جابجایی خورشید مرتباً قسمتی از آن در سایه است و بزها و گوسفندان با سایه در داخل محوطه دیواره جابجا می‌شوند.

توزیع سیاه چادرها یا کپرهای در يك مال:

معمولاً خانوارهایی که باهم کوچ می‌کنند (خانوارهای يك مال)^{۳۹}، سیاه چادرها یا کپرهای خود را در کنار هم برپا می‌کنند تا هم بتوانند در شب به سهولت از دامهای خود محافظت کنند و هم بموقع به آنها علوفه و آب و... را برسانند. شکل توزیع سیاه چادر یا کپر، بستگی به

۳۹ - وابستگان خانوار دامدار معمولاً خود دام ندارند و مهمترین نقش آنها نگهداری دامهای ریش سفید مال و سرویس‌رسانی به آنها است.



وسعت و شکل زمین، ایمنی مکان و ظرفیت چرا دارد چنان که در زمینهای باریک و مرتفع حاشیه رودخانه‌ها ممکن است به صورت خطی باشد این خط ممکن است مستقیم یا منحنی باشد. در این گونه موارد سعی می‌شود چادرها طوری نصب شود که بتوانند گوسفندان یا بزها و سایر دامهای خود را در فضای محدود و یا قابل کنترل در بین چادرها مستقر سازند. در این استقرار معمولاً از داخل سیاه چادر می‌توان قسمت اعظم مرتع را که حیوانات در آن به چرا مشغول می‌شوند دید و بهنگام هر گونه خطر احتمالی از طرف حیوانات وحشی و یا غارتگران ایلی بتوانند سایرین را خبر کنند و مانع از خطر یا دستبرد شوند^{۴۰} در صورتیکه محل استقرار در کنار جنگل و یا بریدگی شیب باشد عموماً چادرها را به صورت خط شکسته در کنار هم نصب می‌کنند و در این صورت سعی می‌شود که چادرها در کنار پرتگاه و یا جنگل مستقر شود و دامها در طرف دیگر که دارای فضای باز است و از نظر ایمنی و کنترل نیز مطمئن می‌باشد نگهداری می‌شوند.

در زمینهای وسیع مثل دشتها و دره‌های باز معمولاً نصب چادرها به صورت دایره و یا مربع و یا دوزنقه است که در فضای بین سیاه چادرها گوسفندها و سایر دامها را در شب نگهداری می‌کنند. در نواحی که نزدیک به ایل راه ایلات دیگر باشد و یا در معرض معابر عمومی قرار گرفته باشد معمولاً چادرها را بر روی بلندی مشرف به معابر و یا ایل راه مستقر می‌کنند و گوسفندان و بزها را در حد فاصل چادرها و فضای دامنه‌های ارتفاعات نگهداری می‌کنند. در نواحی که همجوار چراگاه یا مرتع طایفه دیگر باشد محل استقرار چادرها در منتهی‌الیه چراگاه خود انتخاب می‌شود که هم مانع از تجاوز طایفه دیگر به مراتع خود شوند و هم از

۴۰ - رک: غارت، نوشته جواد صفی نژاد، مجله دانشکده (دانشگاه تهران) سال دوم - شماره ۶ ص -

ورود دامهای خود به مرتع غیر جلوگیری کنند. اگر محل اتراق در مسیر ایل راه باشد و یا در امتداد جاده، استقرار چادرها معمولاً به صورت موازی است و طول محل استقرار چادرها با توجه به تعداد خانوارها متغیر است.

زمانی که محل اتراق مال در نزدیکی چاه و یا چشمه‌ای باشد که مورد استفاده چند مال است معمولاً چادرهای هر مال را به صورت دایره در کنار هم برپا می‌کنند تا بتوانند در شب از دامهای خود خوب محافظت کنند. اگر محل استقرار کپرها و یا سیاه چادرها در درهٔ پست یا در بین چند تپه کوچک باشد چادرها را طوری نصب می‌کنند که بر سر راه نباشد و از داخل سیاه چادر یا کپر بتوانند دامها را به موقع حراست و کنترل کنند.

ترکیب فامیلی و توزیع سیاه چادرهای يك مال :

خانوارهای هر مال که برای چرانیدن دامهای خود باهم به سردسیر و گرمسیر می‌روند ممکن است از دو تا پانزده خانوار مرکب باشد. این خانوارها ممکن است همه دامدار باشند و یا چند خانوار از بین آنها دامدار نباشند^{۴۱}. ولی خانوارهایی که دامدار نیستند وابسته اقتصادی خانوارهای دامدارند و در تمام کارهای مربوط به چرانیدن، حفاظت دوشیدن و تغذیه دام به آنها کمک می‌کنند. تعداد خانوارهای وابسته اقتصادی خانوار دامدار به نسبت دام آنها تغییر می‌کند چنان که ممکن است يك خانوار دامدار دارای يك یا چند خانوار وابسته اقتصادی باشد ولی معمولاً رئیس خانواری که دام بیشتری دارد ریش سفید و رئیس مال نیز محسوب می‌شود مگر از نظر قوای بدنی و یا فکری آمادگی کامل نداشته باشد و یا علل دیگر... در آن صورت فرزند ذکور ارشد وی این

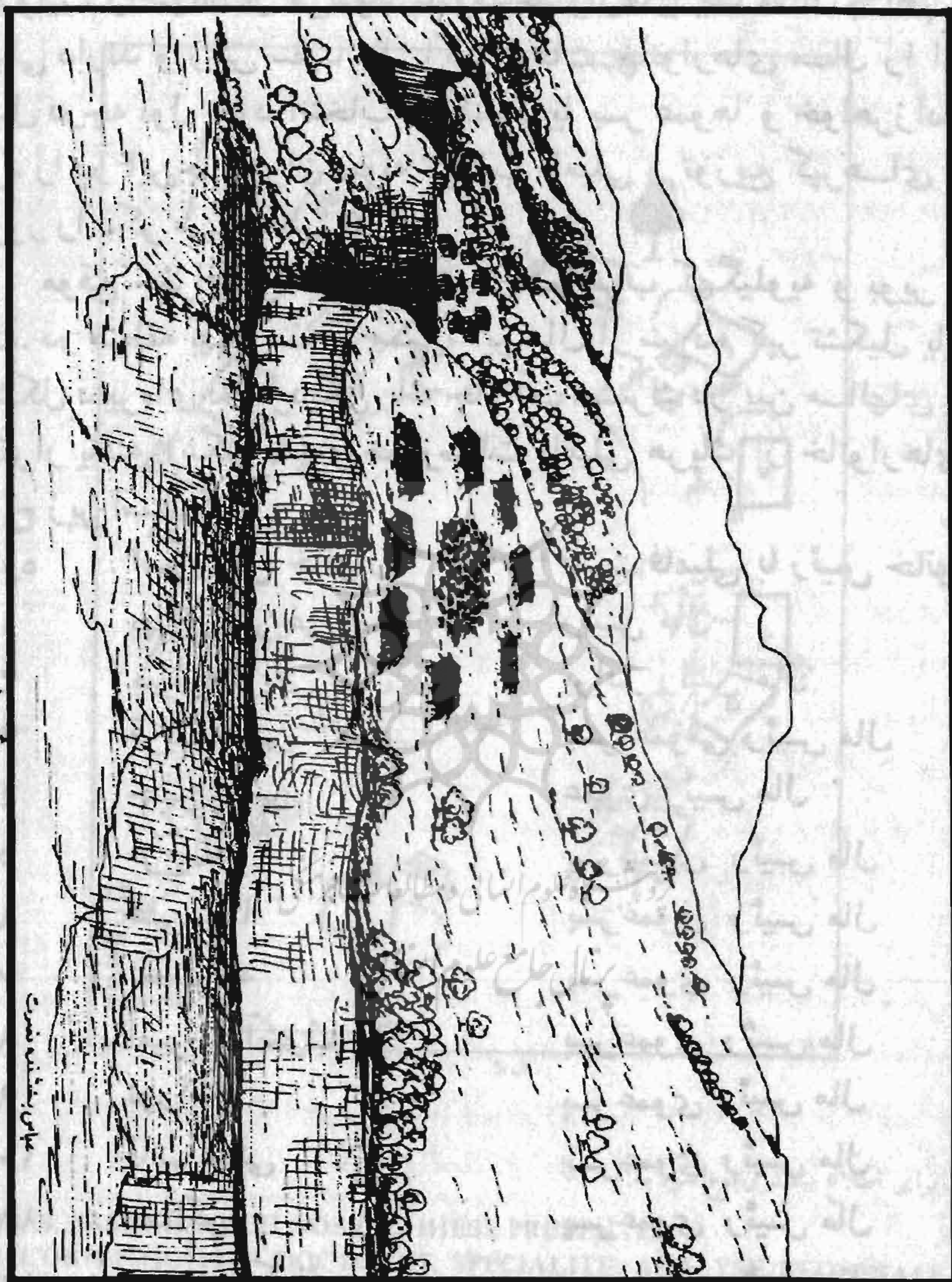
سنگین مشیر کوچ ۱۰۳



توزیع یک مال در پیرامند سفلی



ش ۷



نمای تفریح چند مال در کوهستان بهمانی کوهگوریه و بویر احمد

ش ۵

عشایر پشتنه حضرت

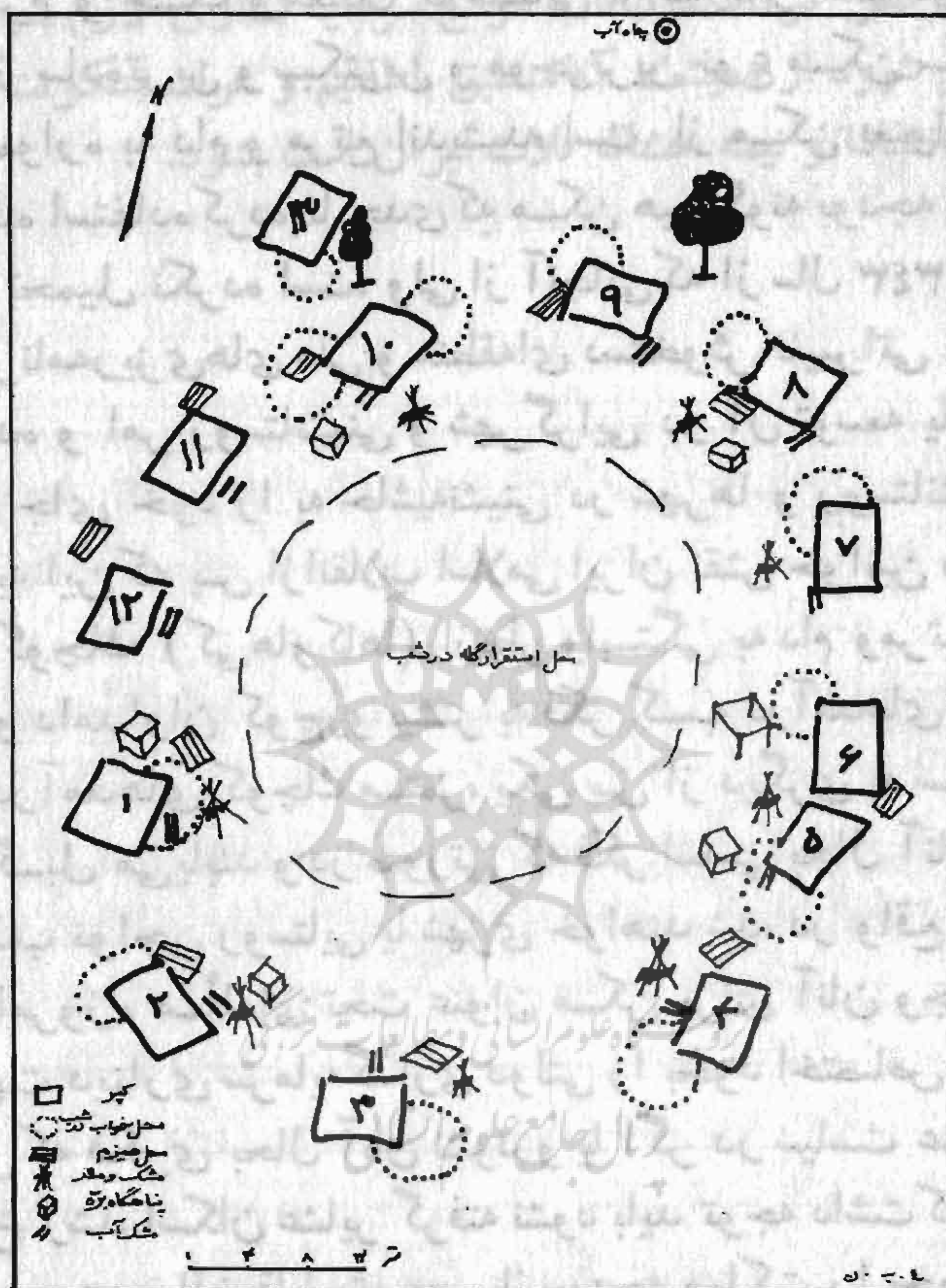
مسئولیت را عهده‌دار می‌شود. عموماً خانوارهای يك مال باهم نسبت فامیلی دارند و ریش سفید مال اکثر اوقات خانوارهای مال را از بین فامیل درجه اول خود انتخاب می‌کند و یا پسر عموها و خواهرزاده‌ها و غیره را در این‌جا بعنوان نمونه ترکیب فامیلی و توزیع کپره‌های مال بهروز را ذکر می‌کند.

موقع جغرافیایی مال بهروز در شمالغرب کهگیلویه و بویر احمد است. در منطقه بهمئی - در ممبی، این مال از سیزده کپر تشکیل یافته و به شکل دایره‌ای در نزدیکی يك چاه آب مشترك در بین مالهای دیگر استقرار یافته (شکل ۹) و خصوصیات فامیلی هر يك از خانوارهای آن بشرح زیر است.

شماره	اسم رئیس خانوار	نسبت فامیلی با رئیس خانوار
۱	بهروز ظریفی اصل	رئیس مال
۲	بمانی ظریفی اصل	برادر رئیس مال
۳	قریب بختی	پسر عمومی رئیس مال
۴	حسن بختی	عموی رئیس مال
۵	فرج‌الله	پسر عمومی رئیس مال
۶	علی سینا	پسر عمومی رئیس مال
۷	نعمت‌الله	پسر عمومی رئیس مال
۸	امیر دل‌آشوب	پسر عمومی رئیس مال
۹	نورالله	پسر عمومی رئیس مال
۱۰	قاسم نجتی	پسر عمومی رئیس مال
۱۱	خداکرم	پسر عمومی رئیس مال
۱۲	حسنعلی کمائی	پسر عمومی رئیس مال
۱۳	علی بختی	پسر عمومی رئیس مال

این ترکیب فامیلی و توزیع استقرار کپر در مال با کمی تغییر در

سایر نواحی ایلی کهگیلویه و بویراحمد نیز به چشم می خورد^{۴۲}.



ش ۱

۴۲ - برای اطلاع بیشتر رجوع شود به:

ABBAS, BAKHSHANDEH NOSRAT, THESE PRESENTEE
 POUR L'OBTENTION DU DOCTORAT, SPECIALITE: ANALYSE REGIONALE ET
 AMENAGEMENT DU TERRITOIRE; «LA PROVINCE KOHGUILOUYEH ET
 BOYEREAHMED, DONNEES TRADITIONNELLES ET EVOLUTION RECENTE
 (IRAN) » 1980.

نتیجه: عشایر کوچ‌رو در کهگیلویه و بویراحمد که از در نوع آب و هوای گرم و خشک و معتدل کوهستانی برخوردار است در طی قرون و اعصار از ساده‌ترین و سبکترین و موجزترین نوع مسکن سنتی استفاده کرده و همواره به دام و مرتع اندیشیده است. از مسکن بعنوان سرپناه و یا حفاظتگاه استفاده کرده، تا حدی که مسکن هیچ‌گونه بودجه جداگانه‌ای را به آنها تحمیل نکرده است. ولی از آنجایی که از سال ۱۳۴۳ به بعد این منطقه با برنامه‌ریزی‌های ملی و منطقه‌ای دستخوش تغییراتی از نظر شکل سکونت شده و امر روستانشینی و شهرگرایی در آن توسعه یافت و شیوه کوچگری جای خود را به حاشیه‌نشینی در شهرها و روستانشینی داد^{۴۳}.

و با توجه به این که پس از انقلاب اسلامی ایران نقش خوانین و کدخدایان بزرگ و کوچک (کی‌ها و کاه‌ها) از نظر وابستگی به دام و مرتع دگرگون شده است و دامداران کوچ‌رو بیشتر به فکر کسب درآمدهای آنی بزرگ هستند تا درآمدهای کوچک مستمر، یکی پس از دیگری به سمت روستاها و شهرها گسیل می‌یابند و در صورتی که فکر اساسی بحال آنان نشود دیر یا زود جذب نواحی روستایی یا شهری خواهند شد، در واقع این جمعیت عظیم که امروزه مسأله‌ای تحت عنوان مسکن برای آنان وجود ندارد و از این جهت دیناری سرمایه‌گذاری دولتی را بخود اختصاص نداده است، در صورتی که فکری بحال آنان نشود و یا اگر در سیاست عمرانی آینده جلوی فرخ رشد اسکان عشایر گرفته نشود باید توجه داشت که مسکن این دسته از جمعیت مبالغ قابل توجهی از بودجه مملکت را بخود اختصاص خواهد داد در حالی که امروزه مسائل مربوط به مسکن در نواحی شهری و روستایی مملکت ما روزافزون است و باید قبل از اجرای هرگونه

۴۳ - نگاه کنید:

ABBASS, BAKHSHANDEH NOSRAT, UN EXEMPLE REGIONAL DE MODERNISATION EN IRAN. REUSSITE OU ECHEC?, L'INFORMATION GEOGRAPHIQUE, MASSON, PARIS, 1981, DOCUMENTATION GENERAL, VOL 45, NO 1 P. 20 a 27.

